




نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

صفحات: ۵۹-۶۸

10.52547/mmi.1880.1399112 

بررسی اصول و مقولات مربوط به جهان معماری در کتاب نزهت‌نامه علایی

شیدا چنگیزی* محمود رازجویان**

چکیده

منابع کهن فارسی، از زمره مهم‌ترین منابع برای شناختن معماری گذشته ایران به شمار می‌روند. از جمله این متون، کتاب نزهت‌نامه علایی اثر شهردان بن ابی‌الخیر است که در سال‌های پایانی سده پنجم هجری تألیف شده است. این کتاب، دایرة‌المعارفی از علوم رایج در آن روزگار است و شامل موضوعات متنوعی چون؛ اقسام حیوانات، نباتات، جواهر، حساب، نجوم، هنرهای دستی و ... می‌شود. موضوع این مقاله، استخراج، دسته‌بندی و بررسی اصول و مقولاتی در کتاب نزهت‌نامه است که به کار مباحث نظری معماری می‌آیند. تحقیق با روش تفسیری و به شیوه قرائت و فهم و تفسیر کتاب نزهت‌نامه به واسطه خود متن انجام شده است؛ لذا محور این تحقیق، کتاب نزهت‌نامه بوده و فقط برای شناخت بیشتر و استدلال بهتر به منابع درجه دوم رجوع شده است. محصول این پژوهش در سه باب سامان یافته است؛ باب اول، به زمینه و زمانه کتاب اختصاص دارد و در آن مختصری از جایگاه نزهت‌نامه و نویسنده آن طرح شده است. در باب دوم، اصول غالب کتاب راجع به جهان و انسان مطرح و دسته‌بندی می‌شوند. این اصول، مبانی برای باب سوم وضع می‌کنند که اصول مستخرج از کتاب راجع به معماری هستند، شامل؛ شأن معماری، کشف حکمت‌ها و معانی، مراعات وقت، شناختن طبایع و اعتدال، هماهنگی صورت و معنای نیکو. مطابق جهان نزهت‌نامه، معماری در زمره صناعات شریف است. معمار لازم است بر وقت‌های سعد و نحس و طبایع مختلف در کار خود واقف باشد، بر فنون کار خویش مسلط باشد تا بتواند بنایی نیکو برآورد، در پی حکمت‌ها و معانی باشد و سعی کند اصل اعتدال را در معماری به‌جا آورد.

پرتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها: نزهت‌نامه علایی، مبانی نظری معماری، شهردان بن ابی‌الخیر، حکمت در معماری، طبع در معماری

مقدمه

تاریخ ایران، مشحون از نوشته‌ها و کتاب‌هایی است که از گذشته به دست ما رسیده‌اند. به جز معدودی، موضوع مابقی این کتاب‌ها معماری نیست و در بادی امر این پرسش پدید می‌آید که چطور از گذشته رسایی درباره آشپزی، نجاری، گازی، جولا‌هگی و دیگر پیشه‌ها - که اغلب از نظر نویسندگان آن آثار پیشه‌هایی نازل تر و خسیس تر از معماری هستند (غزالی، ۱۳۷۵: ۴۴) - به دست آمده، اما رساله‌ای که مخصوص معماران نوشته شده باشد بسیار نادر است و یافت نمی‌شود؟ پاسخ به این پرسش البته مجال و مقاله‌ای دیگر طلب می‌کند، اما آنچه معین محققان حوزه تاریخ معماری ایران است علاوه بر شواهد مادی به دست آمده از گذشته - بناها - مجموعه وسیعی از منابع مکتوب است. این منابع، به مثابه مظهری از فرهنگ ایران، به محقق کمک می‌کنند که از طریق همین نوشته‌ها به ساختار تفکر جوامع پی ببرد، با اندیشه‌های ایشان آشنا شود، از هنجارها و نظام‌های داوری آنها باخبر شود و به ذوق و نظام زیبایی‌شناختی آنها راه برد. از این رو متون کهن فارسی، منبعی غنی برای شناختن معماری گذشته تلقی می‌شوند. البته از این جهت، منابع استعداد‌های مختلفی دارند؛ برخی مملو از اطلاعات مربوط به معماری و شهر بوده و مناسب برای جست‌وجو و تحقیق و برخی کمتر حائز چنین فایده‌ای هستند (قیومی بیدهدی، ۱۳۸۸: ۱۳-۸).

یکی از مستعدترین منابع برای تحقیق راجع به معماری، کتاب «نزهت‌نامه علایی» است. این کتاب، دایرة‌المعارفی کهن از علوم رایج در قرن پنجم هجری است که شهردان بن ابی‌الخیر آن را به زبان فارسی نوشته است (صفا، ۱۳۸۶: ۹۱۱-۹۰۹). نویسنده در این کتاب، علوم مختلف و گوناگون زمانه خود را گرد آورده و تلاش کرده است دانشنامه‌ای تحت تأثیر کتاب «دانشنامه علایی» ابن‌سینا به نگارش درآورد (وسل، ۱۳۶۸: ۳۹). این مقاله به جهت شناختن جهان معماری کتاب تنظیم شده است.

مقاله حاضر به‌طور مستقیم متکفل مطالب مرتبط با معماری نیست و هدف نیز صرفاً جمع‌آوری اطلاعات معماری کتاب نیست، بلکه سعی بر این است که از طریق قرائت و تفسیر نزهت‌نامه، به جهان نویسنده و کتاب وارد شویم و تلاش کنیم اصول این جهان را دریابیم. از این اصول، اعم از هستی‌شناختی یا معرفت‌شناختی، آن دسته‌ای که بر معماری صادق است در مقاله بیان می‌شود. به جهت نیل به این هدف، این پژوهش در سه باب سامان یافته است؛ باب اول، به زمینه و زمانه

کتاب نزهت‌نامه علایی و نویسنده آن اختصاص دارد. باب دوم، درباره جهان توصیف‌شده در کتاب است و سعی شده رئوس اندیشه نویسنده تشریح شود. باب آخر، به معماری اختصاص دارد و اصولی که از کتاب مستفاد می‌شوند و به معماری قابل تسری هستند، بیان می‌شوند.

پرسش‌های این تحقیق به ترتیب اولویت اهمیت نسبت به هدف تحقیق در پی می‌آیند.

۱. کدام دسته از اصول کتاب نزهت‌نامه علایی قابل بسط و تسری به معماری است؟
۲. چه مقولاتی از اندیشه شهردان بن رازی، استعداد مینا قرار گرفتن برای مباحث نظری معماری دارد؟

پیشینه پژوهش

کتاب نزهت‌نامه علایی، از جمله کتاب‌هایی است که بسیار مغفول واقع شده است و پژوهش‌های اندکی درباره آن انجام شده‌اند. از این رو، پیشینه مقاله حاضر شامل دو دسته از منابع است؛ دسته اول، پیشینه محتوایی مشتمل بر منابعی که به نزهت‌نامه پرداخته‌اند و دسته دوم، پیشینه روشی که متشکل از مقالاتی است که از حیث روش‌شناختی، به استخراج اصول مرتبط با معماری از یک متن یا رساله اختصاص دارند.

در پیشینه محتوایی، دو مقاله از فرهنگ جهان‌پور (۱۳۶۳) با عنوان «نزهت‌نامه علایی: اثر شهردان ابن ابی‌الخیر رازی» وجود دارند که نویسنده در آنها راجع به شهردان و آثار او سخن گفته و به سیاق کتاب نزهت‌نامه پرداخته است. مقاله دیگر، اثر رحمان ذبیحی (۱۳۹۶) با نام «باورها و آیین‌های عامیانه نباتی در نزهت‌نامه علایی» است. این مقاله، به فقره‌هایی از باورهای عامه در کتاب می‌پردازد که شهردان راجع به نباتات نقل کرده است و نشان می‌دهد که مطالب موجود در کتاب، آمیخته‌ای از یافته‌های علمی و باورهای مربوط به فرهنگ عامه هستند و این امر گویای تصور رایج در آن دوره نسبت به علم طبیعی است.

از حیث روش‌شناختی، نزدیک‌ترین پیشینه این تحقیق، مقاله کاخانی (۱۳۹۹) با عنوان «عمارت از برای ویرانی: دو روایت متفاوت درباره جایگاه معمار و معماری در کتاب احیاء علوم‌الدین غزالی» و مقاله پیشوایی و قیومی (۱۳۹۲) با نام «خاک و خرد: تأملی در شأن معماری در مثنوی معنوی» است. نویسندگان این مقالات کوشیده‌اند اصولی را در اندیشه غزالی و مولانا نشان دهند که به کار مباحث نظری معماری می‌آیند. مقاله حاضر از نظر روشی، مشابه مقاله‌های یادشده است؛ با این تفاوت که به کتاب نزهت‌نامه اختصاص دارد.

روش این تحقیق، تفسیر متن به واسطه خود متن است که به شناسایی و طبقه‌بندی مفاهیم آشکار و پنهان مندرج در این متن منجر می‌شود. برای انجام این کار در ابتدا با پرسش‌های اجمالی موجود، به قرائت کتاب نزهت‌نامه علائی و مشخص کردن مطالب مرتبط با جهان‌بینی نویسنده درباره معماری پرداختیم. در حین تحقیق، پرسش‌های متن دقیق‌تر، و بخش‌هایی که مستعد استخراج اطلاعات معماری هستند مشخص شدند. از طرفی، اساسی‌ترین ایده‌های موجود در متن، که نماینده نگاه رازی به جهان و خصوصاً صنعت است، گردآوری شد. با اتمام این مرحله و تشخیص ساختار مناسب برای بیان و توضیح نگاه رازی، استنتاج و تفسیر داده‌ها آغاز شد. در این مرحله با بهره جستن از کتاب و منابع درجه دوم، آرای شهردان رازی را درباره موضوع تشخیص داده و آنها را در قالبی متناسب با محتوا صورت‌بندی کردیم.

نزهت‌نامه علائی؛ زمینه و زمانه

به انحاء و روش‌های مختلف می‌توان به زمینه و زمانه کتاب نزهت‌نامه علائی و نویسنده آن پرداخت. در این نوشته تلاش می‌شود متناسب با هدف مقاله، بخش‌هایی از این بحث گسترده مطرح شوند.

درباره نویسنده کتاب

اطلاعات زیادی از شهردان در کتاب‌ها و رساله‌های مختلف نقل نشده و دانش ما از او منحصر به توصیفات است که وی در کتاب‌های خود درباره خود داشته است (جهان‌پور، ۱۳۶۳: ۵۷۶). در کتاب نزهت‌نامه، شهردان ادعا می‌کند که شش کتاب مختلف را تألیف کرده است:

۱. کتابی درباره تاریخ. در کتاب نزهت‌نامه فصلی است که درباره تاریخ قدیم ایران و داستان‌های رستم بحث می‌کند (رازی، ۱۳۶۲: ۳۴۴-۳۱۷).
۲. در نزهت‌نامه، شهردان به یکی دیگر از تألیفات خود به نام "حل الرموز السماویة اجل من الکنوز الدنیویة" اشاره می‌کند و می‌افزاید که این کتاب دارای ده فصل درباره هر یک از اعداد یک تا ده است (همان: ۵۶۶).
۳. کتاب البدایع به زبان عربی راجع به خواص و طبایع و منافع و چند علم دیگر
۴. کتابی درباره علم کیمیا
۵. روضة‌المنجم یا روضة‌المنجمین (رازی، ۱۳۸۲). نام این کتاب نیز در کتاب نزهت‌نامه ذکر شده است (رازی، ۱۳۶۲: ۲۹۳).

به‌طور خلاصه چنین برمی‌آید که شهردان در حدود سال ۴۲۰-۴۲۵ / ۱۰۳۵-۱۰۳۰ [۲۰] در شهرری چشم به جهان گشوده و در همان‌جا تحصیلات خود را نزد استاد مختص ابوالحسن علی بن احمد النسوی به پایان رسانده است. در اوایل جوانی به اصفهان مسافرت کرده و به خدمت شمس‌الملک فرامرز درآمده و همراه او به یزد رفته و در آنجا کتاب خود را درباره تاریخ قدیم ایران تدوین کرده است. در سال ۴۴۳ / ۱۰۵۱ پس از مرگ شمس‌الملک فرامرز، از یزد به ری مراجعت نموده و در آنجا در سال ۴۵۵-۱۰۶۳ کتاب روضة‌المنجمین را تألیف کرده است. در آن اوقات از بصره و خوزستان نیز دیدن نموده و مدتی را به‌عنوان دبیر و مستوفی در خدمت یکی از حکام آن نواحی گذرانده است. سپس از شغل خود معزول شده و مدتی را بدون شغل در گرگان و استرآباد به سر برده است. در همان‌جا کتاب البدایع را به رشته تحریر درآورده است. نهایتاً در حدود سال‌های ۴۹۵-۴۹۰ / ۱۰۹۷ مجدداً به یزد آمده و در آنجا کتاب نزهت‌نامه علائی را تألیف کرده است (جهان‌پور، ۱۳۶۳: ۵۸۳ و ۵۸۴).

درباره کتاب

نزهت‌نامه علائی اثر شهردان ابن ابی‌الخیر رازی، یکی از اولین کتاب‌هایی است که درباره علوم طبیعی به زبان فارسی نوشته شده، ولی با وجود اهمیت آن از نظر تاریخی و علمی و ادبی و به منزله یکی از کهن‌ترین آثار نثر فارسی، هنوز این کتاب مورد توجه کافی قرار نگرفته است. شهردان در مقدمه کتاب چنین می‌نویسد:

«چون مدتی روزگار به پرداختن تألیف این کتاب برآمد و از زیادت و نقصان کردن فارغ شده بودم آن را عدتی و ذخیرتی همی‌شناختم تا بدان خویشتن را بر مجلس عالی خداوندی امیر اجل [...] ملک طبرستان علی بن شمس‌الملوک فرامرز بن الملک العادل علاءالدوله محمد دشمن‌زیار رضی‌الله عنهم و قدس ارواحهم عرضه کنم و عذر تقصیر و تأخیر به خدمت نیامدن نموده باشم و از بهر زینت و بزرگ داشتن این کتاب را نزهت‌نامه علائی نام نهادم» (رازی، ۱۳۶۲: ۱۴).

علاءالدوله خاصبک ابو کالیجار گرشاسب، از امرای کاکویه است که از سال ۵۱۳-۴۸۸ / ۱۱۱۹-۱۹۰۵ در یزد حکمرانی داشته است. با توجه به عبارت یادشده و سایر شواهدی که در کتاب نزهت‌نامه موجود است، این کتاب در حدود ۴۹۵-۴۹۰ / ۱۱۰۲-۱۰۹۷ تألیف شده است (جهان‌پور، ۱۳۶۲: ۷۱).

نزهت‌نامه علائی، دایرة‌المعارفی است که درباره مسائل مختلف علمی و ادبی و تاریخی نوشته شده است. این کتاب

از بسیاری جهات حائز اهمیت است؛ اولاً این کتاب یکی از نخستین آثاری است که به عنوان مجموعه‌ای از دانش‌های مختلف تألیف شده است و یکی از قدیمی‌ترین کوشش‌ها برای طبقه‌بندی علوم از جمله؛ نجوم، ریاضی، هندسه، کیمیا، طب، منطق، تاریخ و جغرافیا به‌شمار می‌رود. ثانیاً همان‌طور که نویسنده کتاب متذکر می‌شود، مطالب آن برای متخصصان و خواص نوشته نشده است، بلکه میزان دانش عمومی را درباره علوم متداول زمان روشن می‌سازد. ثالثاً اینکه از نظر ادبی، سبک نگارش این کتاب، مرحله دگرگونی زبان فارسی را نشان می‌دهد (جهان‌پور، ۱۳۶۳: ۵۸۴) و در حقیقت به‌عنوان حد واسط بین سبک ساده چهار قرن اول اسلام و سبک‌های مصنوع و معری که در قرن‌های بعد متداول شد، به‌شمار می‌رود (بهار، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

در مقدمه کتاب، شهردان اظهار می‌دارد که علاءالدوله محمد بن کاکویه (۳۹۸-۴۳۳ / ۱۰۰۸-۱۰۴۱) خواجه رئیس ابوعلی سینا را گفت: «اگر علوم اوائل به عبارت پارسی بودی من بتوانستمی دانستن» (رازی، ۱۳۶۲: ۲۲) و ابوعلی سینا نیز به فرمان او دانشنامه علایی را تألیف و به او عرضه کرد. به همین ترتیب، شهردان نیز کتاب زهت‌نامه علایی را تدوین نمود و به یکی از نوادگان او علاءالدوله خالصک ابو کالیجار گرشاسب (۴۸۸-۵۱۳ / ۱۰۹۵-۱۱۱۹) تقدیم داشت. ولی برخلاف دانشنامه علایی که فقط به بحث درباره منطق، الهیات و طبیعیات می‌پردازد، زهت‌نامه مطالب فراوان دیگری را نیز شامل می‌شود و عنوان دائرةالمعارف بر آن روا است (جهان‌پور، ۱۳۶۳: ۵۸۵).

زهت‌نامه علایی، در یک مقدمه، دو قسم، یک خاتمه تدوین شده و هر قسم شامل شش مقاله است. قسم اول درباره خواص و طبایع انسان، حیوان (چهارپایان اهلی، حیوانات وحشی، مرغان، حشرات و خزندگان زمینی و آبی)، نبات (از قبیل درختان میوه، درختان عطری، کشاورزی، گیاهان و دانه‌های دامپروری، انتخاب گاو مناسب، نگهداری درختان، بازداشتن حشرات موذی و آفت‌ها)، جماد، احجار و جواهر و اجساد است (شامل؛ کانی‌شناسی، فرضیه کلی، فلزات هفت‌گانه، سنگ‌های قیمتی و نگین‌ها، سنگ‌های معدنی، سنگ‌هایی که منشأ حیوانی دارند و سنگ‌های خارق‌العاده).

قسم دوم درباره خواص و فواید انواع علوم از جمله حساب و نجوم، چند حکایت و مطالبی درباره هنرهای دستی و صنایع گوناگون است که فهرست آنها چنین است؛ بیان طبیعیات نظری، آسمان و زمین، عناصر و طبایع چهارگانه، قطب‌های دوگانه، منازل قمری و صور کواکب، اقالیم هفت‌گانه، کشورها، شهرها، بناها، حکایاتی در باب آغاز جماد، انواع علوم، علم

اعداد، نجوم، منطق، حساب، کلمات علی (ع)، جداول نجومی، خواتیم و کواکب، اختیار کردن کارها بنا بر بروج دوازده‌گانه، علم فراست، هواشناسی (آثار علومی)، تعبیر خواب، اصول علم تعبیر رؤیا، طبقه‌بندی موضوع خواب‌ها، پیدایش جهان (اعم از زمین، آسمان، ستارگان، انسان، حیوانات اهلی و وحشی، پرندگان، حشرات و خزندگان، زمینی و آبی، درختان و گیاهان، میوه‌ها، گیاهان عطری، دانه‌ها و علف‌ها، پستی و بلندی زمین، کوه‌ها، دریاها و شهرها)، طبقات اجتماعی و حرفه‌ها، ابزار و ادوات و بیماری‌ها، علوم و فنون مختلف همچون کیمیا، صنایع گوناگون (رنگ‌ها، روغن‌ها، اشیا و غیره)، ساخت شمشیر و صیقل آینه، پاک کردن پارچه‌ها (قلع آثار)، طلسم‌ها و طلسم‌گونه‌ها، بازی‌ها و حیل‌ها، عرق‌ها و عطرها، داروهای چشم.

با در نظر گرفتن دو قسمت اصلی در ساختار زهت‌نامه، چنین به نظر می‌رسد که مؤلف در تدوین اغلب فصول از سه رشته اصلی فلسفه نظری بهره گرفته است. منطق و ریاضیات در فصلی مستقل آمده‌اند. محور اصلی کتاب، طبیعیات است که یازده فصل را به خود اختصاص داده است و در مقابل، از الهیات در کتاب خبری نیست (بی‌نام، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۵). زهت‌نامه علایی، مورد توجه نویسندگان پس از خود قرار گرفت؛ چنانکه در ۵۸۰ ق. ابوبکر مطهر جمالی یزدی، "فرخ‌نامه" را به تقلید از آن نوشت و مورخ کتاب "تاریخ جدید یزد" نیز که در حدود چهارصد سال پس از شهردان می‌زیسته، در کتاب خود که در سال ۱۰۰۷ ق. تألیف شده، زهت‌نامه علایی را در کنار شاهنامه فردوسی و سیرالملوک خواجه نظام‌الملک، از منابع خود برشمرده است (جهان‌پور، ۱۳۶۲: ۶۵-۶۲).

جهان و انسان در زهت‌نامه علایی

شهردان ابن ابی‌الخیر رازی نویسنده کتاب اگرچه دایرةالمعارفی از اهم معارف زمان خود تهیه کرده است - و در ظاهر، دایرةالمعارف اثری است محصول نگاه جزءنگر و صورت‌یافته در قالب مدخل‌های مجزا- اما نگاه او در زهت‌نامه علایی، تابع نگاهی کل‌نگر به همه موجودات هستی و انسان بوده است:

«طوبی آنکه سوی راه راست شتافت و از دل پاکیزه خویشتن را تسلیم کرد و اسلام و ایمان یافت. آفریننده در سرشت هر جانوری چنان آفریده است که جز منفعت و دفع مضرت در طبع هر یک پدیدار است و هر یک به نوعی دیگر خواهد که بهی سوی خویش آرد و بدی و بدتری باز دارد و این در سرشت هر جانور است که اگرچه ساز و وضع هر یک به

وجهی دیگر است، بنیاد یکی است و دیگرگون نهاد و نشان» (رازی، ۱۳۶۲: ۴).

از رهگذر این نگاه کل نگر و وحدتی که نویسنده بر همه اجزای عالم حاکم می‌داند، می‌توان سخن از جهان نویسنده در این کتاب گفت. نگارنده در این بخش سعی می‌کند رؤوس اصلی این جهان را، آن سان که در کتاب آمده است، توضیح دهد. این رؤوس را "اصل" نامیدیم؛ چرا که در جای جای کتاب با شواهد فراوان تکرار شده و، اگرچه عام نیستند، غالب هستند. پیدا است که در این مقاله فقط اصولی مطرح می‌شوند که استفاده از آنها به کار باب سوم مقاله می‌آید و می‌توان سخن منسجم نویسنده کتاب راجع به معماری را از طریق آنها یافت؛ و گرنه چه بسیار اصول عام‌تر که از کتاب برمی‌آیند و چون به موضوع این مقاله مرتبط نیستند، مطرح نمی‌شوند.

اصل اول: مبنای عالم عدد است و ریاضیات برترین علم‌ها است

فصل‌های مربوط به حساب و ریاضی، قسمت عمده‌ای از کتاب زهت‌نامه را تشکیل می‌دهند. در نظر شهردان، اعداد هم از نظر ریاضی و هم از نظر خواص معنوی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای هستند و باید از جهت کیفی و کمی مورد مطالعه قرار گیرند. در زهت‌نامه انواع مختلف اعداد از قبیل؛ فرد، زوج، مشترک، متباین، زاید، ناقص، تام، اعداد مجذور و اعداد متحابه مورد توجه قرار گرفته و خاصیت هر یک از آنها ذکر شده است (همان: ۲۲۰-۲۱۶).

بنا بر اعتقاد شهردان، «راستی دو جهانی بر حساب نهاده است و مدار» (همان: ۲۳۳) و در نتیجه، هر یک از اعداد رابطه‌ای معنوی با یکی از اجزای جهان خلقت دارد؛ مثلاً «اول» چنانکه خدای یکی است و همه را بدو نیاز و همه از او پیدا آمد، یکی در میان اعداد تشابهی ندارد، دوم خردست که اول عدد است و بدو در توان یافت» (همان: ۲۳۰)، سوم «جسم» است که طول و عرض و عمق دارد» (همان: ۲۱۷)، چهارم «هیولاست که انواع و اجناس از او پیدا آمد» (همان) مانند چهار فصل، چهار مرحله جمادی، نباتی، حیوانی، انسانی و ... این‌گونه نظرات درباره اعداد در بین اکثر علمای اسلامی متداول بود و آنها این فرضیات را از علمای یونانی و به‌خصوص فیثاغورس آموخته بودند (جهان‌پور، ۱۳۶۳: ۹۲). نیکوماخس یکی از علمای قرن اول میلادی که از پیروان مشهور فیثاغورس بود، درباره برتری علم حساب بر علوم دیگر از جمله هندسه و موسیقی و هیئت می‌نویسد:

«کدام یک از این چهار فن را باید در وهله اول آموخت؟ بدیهی است آن علمی که طبیعتاً قبل از دیگران وجود داشته و

بر دیگران برتری دارد و به منزله مبدأ و ریشه و مادر آنهاست. چنین علمی حساب است. نه فقط از آن حیث که چنانکه ذکر شد حساب قبل از کلیه علوم دیگر در عقل الهی مانند نقشه‌ای کلی و به‌طور سرمشق وجود داشته است و خالق عالم با اتکای به آن به‌عنوان مثال عالم خلقت موجودات اجسامی را نقش بخشیده و هر یک را به غایت خود رسانیده است، بلکه از آن حیث که این علم طبیعتاً از لحاظ وجودی برتری دارد، زیرا علم حساب تمام علوم دیگر را منسوخ می‌سازد در حالی که خود به وسیله علوم دیگر منسوخ نمی‌شود» (همان).

شهردان تابع همین اندیشه در جهان است و باور دارد که جهان بر مبنای اعداد استوار شده و دانستن ریاضیات به جهت فهم حکمت‌ها و معانی لازم است (رازی، ۱۳۶۲: ۳۵۱-۳۴۴). او برای همه اعداد، خواصی قائل است که شناختن آنها موجب می‌شود فرد بتواند اندکی از حکمت خداوند را در خلق این جهان بر مبنای ریاضیات فهم کند. چنانکه مثلاً «آفرینش کارهای گیتی بیشتر مربع است، به عنایت باری سبحانه و تعالی تا کارها مطابق باشد با کارهای روحانی» (همان: ۳۵۰).

خواص اعداد، نماینده معانی مندرج در آن عددها هستند. عدد یک در نگاه او، نشان‌دهنده وحدت و یگانگی است و مخصوص خدا (همان: ۳۴۴) و عدد هفت، عددی کامل است که همه معانی در آن مندرج هستند. این نگاه به اعداد و مینا پنداشتن عدد در شکل دادن جهان هستی، نگاهی است که در رسایل اخوان‌الصفا نیز دیده می‌شود و تصویری رایج در زمانه نویسنده است (جهان‌پور، ۱۳۶۲: ۹۰).

اصل دوم: همه چیز در عالم، تابع حکمت الهی است و خاصیتی دارد

شهردان، بخش عظیمی از کتاب خود را به سخن از پدیده‌های طبیعی و جانوران اختصاص داده است. رشته نامرئی که همه این مدخل‌ها را به هم متصل می‌کند، باور به این اصل است که هیچ پدیده‌ای در جهان نیست، مگر آنکه بنا به دلیلی و حکمتی آفریده شده است و خاصیتی برای انسان دارد (رازی، ۱۳۶۲: ۳۰ و ۳۱). از این جمله؛ احجار و اجساد (همان: ۳۰) و نجوم و کواکب (همان: ۳۵۱)، اقالیم (همان: ۳۰۷)، جواهر (همان: ۲۵۸)، حیوانات و پرندگان (همان: ۱۴۵-۱۲۶)، نباتات (همان: ۲۱۲)، صنایع و علوم (همان: ۳۴۴-۳۵۰)، شهرها (همان: ۳۱۰) و ... که همگی تابع حکمت هستند.

لذا این اصلی شامل در کتاب است و درباره همه چیز صدق می‌کند. در نگاه شهردان، آدمی زمانی رستگار است

که به حکمت خداوند از آفرینش دست یابد و این شناخت، نیکوترین و برترین علم است که به فرخی و پیروزی بختی آدمی در دنیا و آخرت می‌انجامد (رازی، ۱۳۶۲: ۳۵۱).

اصل سوم: اهمیت وقت در انجام دادن کارها

این اصل، به ترتیبی برآمده از اصل دوم است و آن اینکه دور افلاک و وجود آنها هر یک تابع حکمتی است و از این رو، خاصیتی در کار آدمی دارد:

«ایزد تعالی احوال این جهانی به زیر فلک قمر بر دوازده برج و هفت ستاره پیدا کرده است و هر یک دلالت بر جانوری دارد. پس باید که وقت نگاه داشتن خاصیت از اصل مولود آن کس که بدان حاجت مشغول گردد بدانی و در آن ستاره نگاه کنی و خط او از خانه شرف و وبال و هبوط و حد و صورت و [...] در جایگاه موافق در بروج و درجات و پیوستن به سعد و نحس و بازگشتن و مانند این از قوت و ضعف چنانکه در مدخل نجومی بیاید» (همان: ۳۳).

شهمردان، یکی از مقاصد خود برای توضیح فصل‌های مربوط به هیئت و نجوم کتاب را شناساندن اوقات سعد و نحس برای انجام دادن کارهای مختلف برمی‌شمرد. در نگاه او، هر فعلی از افعال آدمی اگر مطابق با وقت سعد انجام شود، امکان توفیق می‌یابد و انجام دادن افعال در زمان نامناسب، موجب شکست کار خواهد شد. از این جمله هستند؛ به تخت پادشاهی نشستن، ازدواج کردن، درخت نشانیدن، تعلیم و خرید و ... (همان: ۳۸۸).

همچنین او در حکایتی جالب چنین می‌آورد که شخصی تزئیناتی را بر در بنایی در مصر می‌یابد که نقش صورت گوسفند بوده است. شخص مقداری گل به دست می‌گیرد و با آن گل در دستان خود صورت آن گوسفند را می‌سازد. پس از آن، گوسفندان بسیار از چپ و راست دشت به نزد او مایل می‌شوند و عده آنها بسیار می‌شود؛ طوری که این شائبه را برای چوپانان و مردم ایجاد می‌کند که او اهل جادو و طلسم است. مرد به ناگهان متوجه علت این امر می‌شود و آن صورت گلین را در دستان خود خراب می‌کند و این کار سبب می‌شود رمله‌ها از اطراف او پراکنده شوند. این حکایت را شهمردان برای تأکید بر اهمیت وقت گفته است؛ چرا که آن شخص به سبب ساختن آن صورت‌ها در موقع فلک سعد به چنین توفیقی دست یافت و نشانه آن اینکه او پس از آن هر زمان دیگری که این عمل را تکرار کرد، چنین حادثه‌ای رخ نداد (همان: ۳۵-۳۳).

اصل چهارم: اهمیت اعتدال و شناختن طبایع

در جهان نزهت‌نامه، اعتدال اصلی اساسی است که عمدتاً در صورت اعتدال در طبایع پدیدار می‌شود؛ چنانکه نویسنده

می‌نویسد:

«هر آنچه در این عالم است از چهار طبایع پدید آمد در زیر فلک قمری به یاری فلک و ستارگان به فرمان خدای عز و جل و تمام و کمال آن به مردم است، و حیوانات به جهت آنکه ناقص‌اند و ایشان را خرد و تمیز نیست همه متلاشی شوند و نیست گردند و برایشان ثواب و عقاب و حشر و نشر نیامد و از این است که آنچه کنند به الهام بدانند و به تعلیم حاجت نباشد [...] و چون طبایع مردم بر اعتدال بود قامت راست آمد و سر سوی آسمان یازد» (همان: ۵۶۴ و ۵۶۵).

موجودات عالم بر اساس همین طبایع، به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول استحالت‌پذیرنده هستند که آن را طبایع چهارگانه گفته‌اند و گروه دوم استحالت‌ناپذیر که طبیعت پنجم خوانده شده است. از میان طبایع چهارگانه، آتش از همه سبک‌تر است و پس از آن هوا است و خاک از همه سنگین‌تر است و از پس آن، آب قرار می‌گیرد. افلاک از قسم طبیعت پنجم هستند که نه سنگین بوده و نه سبک و حرکت آنها ورای حرکت طبایع چهارگانه است (همان: ۴۲۴ و ۴۲۵).

شناختن این طبایع برای توجیه بسیاری از پدیده‌های طبیعی لازم است و فهم آنها به انسان کمک می‌کند که بتواند علل حوادث و امراض را بشناسد و برای آن چاره سازد (همان: ۴۵-۳۸). دیگر فایده شناختن طبایع آن است که فرد می‌تواند از طریق آن به اعتدال، که معین انسان به کمال است، برسد (همان: ۳۶ و ۳۷). شهمردان، فصل سوم از کتاب را با عنوان "اندر طبع و خاصیت مردم و منفعت اعضا" چنین آغاز می‌کند: «ایزد سبحانه و تعالی دل همه جانوران در میان سینه آفریده است و دل مردم بر سوی دست چپ، زیرا که سردی سوی دست چپ بیشتر باشد تا اعتدال پذیرد» (همان: ۳۶). اعتدال در این کتاب همواره ستوده و ارزشمند است و رعایت اعتدال در بدن، خواست خدا و حکمت او است. شهمردان برای آنکه نشان دهد بدن آدمی در اعتدال کامل خلق شده است، سعی می‌کند تناسبات ریاضی بدن را، بر اساس واحد بدست (وجب دست)، توضیح دهد:

«بدان که طول هر شخصی هشت بدست باشد به بدست او و عرضش هم‌چندین چون دست‌ها به پهنا بنهد و با سینه بپیماید و چون دست‌ها سوی بالا برد ربعی بیافزاید و ده بدست آید و از گوش تا به گوش یک بدست و ربعی باشد هم‌چندان که از زنج تا فرق سر و طول قدم یک بدست و ربعی است هم‌چندان که از زبر قدم و پشت پای. سبحان الله احسن الخالقین» (همان: ۳۸).

اعتدال بدن و نسبت آن با اعداد، که سخن آن در اصل اول آمد، موضوع دیگری است که شهمردان در چند جای کتاب

پیشین، در پنج گفتار سامان یافته است. هر گفتار، برآمده از اصلی است که توضیح آن در باب قبل آمده است و در اینجا آن اصل در قالب گفتاری پیرامون معماری مطرح می‌شود. همچنین برای تقریب ذهن، از مصادیق و فقره‌هایی از کتاب که به معماری مربوط هستند استفاده خواهد شد.

گفتار اول: شأن معماری به منزله حرفه‌ای شریف

معماری، از زمره صنایع و حرف است و از جمله کارهای شریفی است که آدمی به آن مبادرت می‌ورزد. اگرچه جایگاه معماری در میان علوم از ریاضیات، که مادر همه علم‌ها است، پایین‌تر است اما از آن روی که در کار برطرف کردن حاجت مردم است، در زمره شریف‌ترین کارها است (همان: ۲۵).

شهمردان، کمال انسان را در بهتر شدن و رو به خداوند حرکت کردن می‌داند و همه آلات و ادواتی که در این کار معین او است، از نظر او واجد ارزش است (همان: ۴). به این دلیل است که معماری در این مقام شریف است و نهاد و بنیاد آن، اگر برای بهتر شدن انسان و حرکت رو به خداوند به کار رود، ارزشمند است: «پس هر جنسی که برتری جوید و سوی پاکی و بهتری پوید نهاد آن لطیف‌تر و بنیاد آن شریف‌تر، هر آنچه به مرتبت فرودین نزدیک‌تر کار او وارونه‌تر و تاریک‌تر [...]» (همان: ۶). وجه دیگری از شرافت معماری، محصول رابطه آن با علم حساب و ریاضیات است. اگرچه در کتاب به صورت مستقیم از ارتباط میان ریاضیات و معماری سخن به میان نیامده، اما پیدا است که معماران به هندسه مشغول هستند و این علم ارتباطی روشن با ریاضیات دارد. معماران به سبب این قرابت، به فهم حقایق هستی که بر اعداد استوار شده‌اند نزدیک می‌شوند (همان: ۳۵۰). از این‌رو، چنین برمی‌آید که معمار نزد شهمردان کسی است که باید دانشی وثیق از هندسه و ریاضیات داشته باشد تا بتواند به کشف حکمت‌ها و معانی جهان نائل آید.

گفتار دوم: کشف حکمت‌ها و معانی

در اصل دوم از باب پیشین بیان شد که شهمردان معتقد است همه چیز در عالم تابع حکمت الهی است، وجود همه چیز علت دارد و یکی از آن علل، خواصی است که آن چیز برای رشد و نمو آدمی دارد. اینکه آدمی تا چه اندازه به این حکمت‌ها آگاه است، او را در زمره مقربان و رستگاران قرار می‌دهد (همان: ۳۵۱). مطابق این اصل، معماری برتر از دیگر معماران است که واقف به این حکمت‌ها باشد و معانی موجود در پدیده‌ها را دریابد.

جهان بر اعداد و ریاضیات استوار است (همان: ۲۳۳) و سروکار معمار با هندسه. آنچه او از حکمت‌های نهانی خداوند در

به آن اشاره کرده است. مطرح شد که او عدد را مبنای عالم برمی‌شمرد و کشف اعداد موجود در اشیا و اعیان را کشف حکمت الهی می‌داند. در فقره‌ای از کتاب سعی می‌کند نسبت میان اعداد و پدیده‌های جهان، از جمله بدن انسان، را نشان دهد تا از این طریق بر اعتدال آنها تأکید کند:

«و نفس حیوان تمام بنیاد بر دو قسمت است: راست و چپ. حرکت در راست است و سکون در چپ، و بر سه طبقه وسط و طرفین، و از چهار طبایع و با پنج حواس و از شش جهت حرکت دارد و با هفت قوت فعال و مفتعل است و با هشت مزاج و بر نه طبقه و دوازده منفذ و چهارده استخوان پهلوی هفت بر راست و هفت بر چپ و بیست و هشت مهره پشت و بند انگشتان و دویست و چهل استخوان و سیصد و شصت قسمت که در او خون باشد» (رازی، ۱۳۶۲: ۵۷۱).

اصل پنجم: صورت نماینده معنا

در فقره‌های گوناگون از کتاب، این جمله یا مضمونی مشابه آن آمده است: «سرّ و ضمیر مردم از صورت‌های ایشان پیداست» (همان: ۴۰۷). شهمردان در این کتاب سعی می‌کند افراد را به کشف حکمت الهی و یافتن اسرار خلقت دعوت کند، اما در کنار آن بیان می‌دارد که صورت چیزها نماینده معنا و ضمیر آنها است و از این‌رو مهم است. او در بابی که راجع به علم فراست دارد، به تفصیل به این موضوع پرداخته است و تلاش کرده نشان دهد که شناختن خلق و خوی افراد از تشابه صورت آنها به حیوانات، امری ممکن و بلکه صواب است (همان: ۴۱۵-۴۰۷).

یکی از علل اهمیت ظاهر در چیزها به اصل چهارمی که بیان شد بازمی‌گردد. گفتیم که اعتدال، هدفی از اهداف آدمی است و در نزهت‌نامه بسیار به آن دعوت شده است. یکی از صور اعتدال، اعتدال در طبایع است. زمانی که این اعتدال برای انسان حاصل می‌شود، ناخودآگاه خلق و خلق او نیز نیکو شده و ترکیب او «راست به اعتدال بر صراط مستقیم» (همان: ۵۷۲) درمی‌آید. به این سبب مردمی که اخلاق معتدل دارند، نیکوترین وجه‌ها و صورت‌ها را خواهند داشت و این حکمت الهی است که در جهان جاری شده است و معانی را از درون به بیرون تسری می‌دهد (همان).

جهان معماری در نزهت‌نامه

از مقدماتی که در باب پیشین آمد، می‌توان جهان معماری کتاب را ترسیم کرد. پنج اصلی که مطرح شد، اصول غالب کتاب نزهت‌نامه هستند و در باب معماری نیز مصداق دارند. در این باب تلاش می‌شود مبانی فکری نویسنده که می‌توانند به معماری تسری یابند بیان شوند. این باب نیز به تبع باب

اعداد و نسبت‌ها بشناسد، معین او خواهد بود در عمل معماری و هر چه محصول معماری معمار، بنا، واجد این حکمت‌های نهانی باشد آن اثر ارزشمندتر و به مقصود نزدیک‌تر است. بناها خود معانی مختلفی دارند؛ مثلاً شهردان در فقره‌ای از کتاب که راجع به تأویل خواب سخن می‌گوید، از برخی بناها نام می‌برد و معانی مندرج در آن بناها را برمی‌شمرد:

«پل [نشان‌دهنده] مردی مرغوب، به دوستی پسندیده و در کار مصلح. شهرستان و حصار، ملک و قوت دین و ایمنی است. در شهرستان شدن قوت است و امین شدن از دشمن. ویران کردن حصار تباهی ملک و دیدن حصار [به معنای] از دشمن احتراز باید نمودن. سرای، زن و فرزند و کدخدای و عیش خوش و مال و بزرگی و شادی دل [است]. گرمابه [...]. وام و علم و دوست [...]. و آسیا مال و توانگری و حشمت از جهت سلطان» (رازی، ۱۳۶۲: ۴۹۰).

پس چنین برمی‌آید که بناها هر یک واجد معانی هستند و این معانی از حکمت‌هایی که خداوند در چیزها قرار داده است مستفاد می‌شوند (همان: ۴۸۸). در همان فقره پیرامون تأویل خواب درباره اجزای معماری نیز سخن رفته است: «ستون، مرد عالم مستور دانا در کار خویش؛ ناودان، رئیس اندک منفعت؛ دیوار، قدرت و قوت و مال و حکمت؛ دیوار کهن و ویران اندوه و مصیبت است. خشت پخته سخن بد و مکروه و گنج مال و منفعت از جهت همسر و فرزند و شغل دنیاست» (همان: ۴۹۱). بر این موارد باید معانی رنگ‌ها را نیز افزود: «سپید روشنی و نیکویی حال و کار؛ سبز صلاح و خیر؛ زرد، بیماری و تفکر؛ سیاه، شکوه و اندوه؛ سرخ، مادر و زن؛ ازرق، غم و اندوه و مصیبت و تصاویر اندوه و مرقه [است]» (همان: ۴۹۸). از این گفتار چنین حاصل می‌شود که معمار مطابق اصلی که در کتاب آمده است - همه چیز در عالم تابع حکمت الهی است و خاصیتی دارد - باید در پی کشف این حکمت‌ها و یافتن خواص و معانی مندرج در آنها باشد. بناها، اجزای معماری و رنگ‌ها نیز هر یک معانی دارند. معمار از طریق شناختن این معانی و به کار بستن آنها در ساختن بنا می‌تواند بنای نیکو برآورد.

گفتار سوم: آگاهی به اسرار وقت و مراعات آن در کار معماری

شناختن وقت و سعد بودن یا نحوست اوقات، از مهم‌ترین دانش‌هایی است که معمار برای موفقیت در کار خود بدان نیاز دارد. در نزهت‌نامه بسیار به خاصیت علم نجوم برای انجام کارها تأکید شده و نویسنده کتاب به تفصیل اوقات سعد را برای انجام کارهای مختلف برشمرده است. از جمله اوقات سعد برای اعمال معماری که در کتاب آمده است:

«بنا نهادن - چون سنگ یا خشت از بهر بنا بر زمین نهند از بهر عمارت و برآوردن دیوار. اختیار آن وقت باید کردن و گزیدن که قمر در برج‌های اصلی متصل به ستاره‌ای در شرف خویش باشد و باید که قمر و طالع و سهم سعادت و خداوندانش و عطارد قوی‌حال باشند [...]» (همان: ۳۹۲). و یا در فقره‌ای دیگر که در باب شکافتن بنا (تخریب بنا) است:

«شکافتن بنا - انصراف قمر از نحوس و اتصال به سعدی شرقی و بودن قمر فوق‌الارض و پیوستن به ستاره تحت‌الارض گزیده است و چون قمر با خداوند خانه خویش پیوندد به دوستی آسان برآید، و برج‌هایی که روز اندر او نقصان پذیرد رواست و پسندیده و این کار دلیل بر فساد است، و اگر خواهی که این عمارت از جایگاه بشود باید که قمر ساقط بود از خداوند خانه‌اش و از شمس. و اما ویران کردن دژها باید که قمر منحوس باشد و در هبوط و زحل از اوتاد ساقط و ضعیف و منحوس» (همان: ۳۹۳).

همین فقرات در باب خریدن زمین و راندن جوی و کاربزه، نشانندن درخت، به اجاره گرفتن خانه نیز آمده است (همان: ۳۹۳ و ۳۹۴). مطابق اصلی که در کتاب آمده است برای کارهایی که محصول آن نیاز به ثبات دارد، مانند معماری، خوب است که آن کار در برج‌های ثابت انجام شود تا دوام داشته باشد و بپاید (همان: ۳۸۸).

از این قسمت‌های کتاب و از اصل اهمیت وقت چنین برداشت می‌شود که معمار برای عمل معماری، نیازمند دانستن اوقات و سعدی و نحوست آنها است؛ به این دلیل که خداوند در گردش فلک‌ها و برج‌ها حکمت و خاصیتی نهاده و آن عمل بر وفق آنها است به جهت موفقیت در کار و ایجاد کردن بنایی پسندیده.

گفتار چهارم: شناختن طبایع و ایجاد اعتدال

دیگر صفتی که معمار باید به آن متّصف باشد، اعتدال، خصوصاً از حیث طبایع، است. معمار باید در این معنا هم خود در اعتدال باشد تا قوای دماغی و فکری او بی‌عیب باشد و روان وی بر نیکویی کار و بنا متمرکز؛ و هم بنایی بسازد واجد صفت اعتدال. از این رو، نیازمند شناختن طبایع است.

چنین آمد که در نگاه شهردان، همه موجودات بر روی زمین از چهار طبع ساخته شده‌اند و برخی پدیده‌ها طبیعی غالب بر دیگری دارند. از جمله پدیده‌هایی که به‌طور مستقیم به معماری ارتباط می‌یابند و شناختن طبع آنها برای عمل معماری ضروری است، بادها و آب‌ها هستند:

کاری عجیب زده و خلقتی غریب داشته‌اند. در ادامه، فقره‌ای از کتاب درباره ایوان مداین می‌آید:

«دیگر ایوان مداین کسری را ارتفاع صد و اند گز برآید و طول صد ارش و پهنا پنجاه ارش و ازین بیفزاید و کمتر نیست. اکنون استادی در این طاق بستن آن است که چگونه سر به هم آورده است و آن استاد که این بناها برآورد چون دیوارها تمام برآورد و به جای زخم رسانید اندازه ارتفاع آن به ابریشمی بگرفت و در حقه‌ای نهاد و مهر کرد و به خزانه‌دار شاه سپرد و روی درکشید و پنهان شد. چندانکه او را طلبیدند باز نیافتند تا از بعد دو سال آمد و به پیش شاه رفت و گفت فرمان ده تا حقه به مهر که من به خزانه‌دار سپرده بودم بیارد که اندازه و قامت دیوارهاست، چون بیاوردند و باز پیمودند چند ارش اندازه فزون تر بود از آنچه دیوارها در آن مدت فرونشسته بود. گفت اکنون چون از این عیب بیرون آمدم ایمن شدم و بناها قرار گرفت باکی نیست و او را بدین پسندیده داشتند و تمام کرد» (همان: ۳۱۳).

در کتاب نزهت‌نامه، بنای مستحکم و استوار همراه با مهارت در ساخت و اجرا ارزشی ویژه دارد. در فقره‌ای از کتاب، شهردان راجع به بنایی در مصر می‌نویسد که معمار آن بر آن نوشته بود این بنا دوازده هزار سال می‌پاید و اگر صحت این مدعا برایتان مشکوک است تلاش کنید آن را ویران کنید «چه ویرانی به همه حال از آبادانی آسان» (همان: ۳۱۶) و بسیار تلاش کردند و هزینه شد تا توانستند فقط حفره‌ای کوچک در آن پدید آورند (همان). چنین برمی‌آید که معمار نیز لازم است در کار معماری خود متبحر باشد و بناهایی نیکو و حاکی از مهارت بسازد.

خاتمه این گفتار نیز توجه به این موضوع است که در جهان نزهت‌نامه، معماری خوب، محصول مهارت و استادی معمار آن است و بنای خوب، بنایی است مستحکم که از گزند زمان به سلامت می‌گذرد. پس معمار لازم است علاوه بر توجه به حکمت‌های خداوند و کشف معانی در بنا، در فنون و اصول حرفه خود سرآمد شود و صورت بنا را نیکو بسازد.

«هوا در عراق چون باد شمال آید راحت و آسایش باشد و باد جنوب بدان ماند که دم و نفس مردم باز گرفته است. و سیکی و سرکه اندر خم اگر چه بپوشند فایده نکند و دُرد بر زبر آید و تیره گرداند. و مردم چون از خواب برخیزند و باد جنوب آمده باشد بدان ماند که روی او به گل و لعاب گاو در گرفته‌اند. [...] آب مد و جزر بصره از عجایب است و به شبانه‌روزی دو دفعه زیادت و نقصان گیرد و در سیر ماه بسته است» (رازی، ۱۳۶۲: ۲۸۸ و ۲۸۹).

این توضیحات راجع به آب‌های غالب در هر شهر را شهردان ادامه می‌دهد و در باب رود نیل در مصر و طبع زاینده‌رود اصفهان سخن می‌گوید (همان: ۲۹۰)، سپس در باب خاک برخی از شهرهای این سرزمین مانند کرمان و قسطنطنیه و اهواز و طبع این خاک‌ها توضیح می‌دهد (همان: ۲۹۱). شهرها نیز خود واجد طبع و خاصیت هستند؛ چنانکه خاصیت تبت خوشی و خندانی است، اقامت در اهواز زایل‌کننده عقل است، عطرها در انطاکیه به‌زودی کم‌بو می‌شوند، موصل از بین برنده قوت است، بحرین بزرگ‌کننده طحال، زنگستان قوی‌کننده طبع کارزار و ... (همان: ۳۱۰ و ۳۱۱).

قطب‌های شمال و جنوب نیز هر یک خواص مخصوص به خود را دارند (همان: ۲۹۲) و هر اقلیم از هفت اقلیم موجود در جهان نیز چنین است (همان: ۳۰۷). از این سخن چنین برمی‌آید که در نگاه شهردان، معمار باید هم خود به‌اعتدال باشد و هم طبایع موجود در چیزها و پدیده‌ها و شهرها را بشناسد تا بتواند بنا را به‌اعتدال سازد.

گفتار پنجم: لزوم محکم و خوب ساختن صورت بنا

این اصل، از خلال فقره‌های مختلفی از کتاب به‌دست می‌آید. شهردان بر این باور است که معنای چیزها از طریق صورت آنها قابل فهم است، چنانکه سر و ضمیر آدمیان از صورت ایشان (همان: ۴۰۷). در بخشی از کتاب، شهردان به توصیف بناهای عظیمی که دیده است می‌پردازد و توانایی معماران و همت بانیان آنها را می‌ستاید؛ چرا که دست به

نتیجه‌گیری

این نوشته، به بررسی کتاب نزهت‌نامه علایی از حیث استعداد آن در حوزه مطالعات نظری معماری اختصاص داشت. ابتدا مختصری از سیاق کتاب آمد و شرحی از نویسندگان کتاب ذکر شد، سپس اصولی از کتاب بیان شدند که می‌توان آنها را اصول جامع و شامل در کل نزهت‌نامه علایی دانست که به کار باب سوم مقاله می‌آیند. این اصول به‌طور مختصر اینها هستند؛ اهمیت اعداد و ریاضیات در عالم، حکمت موجود در اشیا و پدیده‌ها، اهمیت توجه به وقت و اوقات فلکی، نسبت میان طبایع و اعتدال، اهمیت صورت در کنار معنا. پس از آن، باب سوم مقاله در پنج گفتار مطرح شد که به این قرار است:

- شأن معماری به منزله حرفه‌ای شریف
- کشف حکمت‌ها و معانی
- آگاهی به اسرار وقت و مراعات آن در کار معماری
- شناختن طبایع و ایجاد اعتدال
- لزوم محکم و خوب ساختن صورت بنا

هر گفتار، نتیجه‌ای از اصول باب دوم بود که این بار در حوزه معماری و برای معماران کاربرد می‌یابد. مطابق این اصول، معماری در زمره صناعات شریف است؛ چرا که خادم مردم و حاجات ایشان است و معین آنها برای کمال؛ اگرچه که علم ساختمان از ریاضیات که مادر علوم است در مرتبه‌ای نازل تر قرار می‌گیرد. معمار کسی است که لازم است در پی کشف حکمت‌ها و معانی مندرج در اشیا و پدیده‌ها باشد و خصوصاً بر معانی که در کار او وجود دارند و مرتبط با بناهایی هستند که می‌سازد واقف باشد. بر معمار لازم است که وقت‌های سعد و نحس را بشناسد و کار خود را متناسب با آنچه قرار است انجام دهد، در اوقات مناسب آغاز کند. جهان بر طبایع استوار است و مطلوب در این جهان به دست آوردن اعتدال. معمار باید خود به اعتدال باشد تا خدشه‌ای در اندیشه و قوت استدلال او رخ ندهد و در عین حال، با شناختن طبع چیزها و پدیده‌ها و شهرها سعی کند بنایی به اعتدال پدید آورد. علاوه بر حکمت و معنا و اعتدال لازم است که معمار بر فنون کار خود وارد باشد تا بتواند صورت بنا را نیز همچون معنی آن، نیکو رقم بزند و بنا مستحکم و استوار در طول زمان باقی بماند. از این طریق است که معماری می‌تواند موجب فرخی و سعادت‌مندی معمار شود و او را در راستای کمال و بهی، که هدف غایی وی است، به پیش برد.

منابع و مأخذ

- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). سبک‌شناسی یا تطور نثر فارسی. چاپ دوم، جلد دوم، تهران: زوار.
- بی‌نام (۱۳۸۹). زهت‌نامه علائی. کتاب ماه علوم و فنون، ۱ (۱۳۳)، ۹۷-۹۵.
- پیشوایی، حمیدرضا و قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۲). خاک و خرد: تأملی در شأن معماری در مثنوی معنوی. *مطالعات معماری ایران*، ۳ (۳)، ۳۶-۱۷.
- جهان‌پور، فرهنگ (۱۳۶۲). مقدمه. در: رازی، شهرمدان ابن ابی‌الخیر. *زهت‌نامه علائی*. به تصحیح دکتر فرهنگ جهان‌پور. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- جهان‌پور، فرهنگ (۱۳۶۳). *زهت‌نامه علائی*: اثر شهرمدان ابن ابی‌الخیر رازی (۱). *ایران‌نامه*، سال اول (۸)، ۵۹۴-۵۷۵.
- جهان‌پور، فرهنگ (۱۳۶۳). *زهت‌نامه علائی*: اثر شهرمدان ابن ابی‌الخیر رازی (۲). *ایران‌نامه*، سال اول (۹)، ۱۰۷-۸۷.
- ذبیحی، رحمان (۱۳۹۶). باورها و آیین‌های عامیانه نیاتی در *زهت‌نامه علائی*. *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال پنجم (۱۸)، ۴۶-۲۹.
- رازی، شهرمدان ابن ابی‌الخیر (۱۳۶۲). *زهت‌نامه علائی*. به تصحیح دکتر فرهنگ جهان‌پور، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رازی، شهرمدان ابن ابی‌الخیر (۱۳۸۲). *روضه‌المنجمین*. تصحیح و تحقیق جلال اخوان زنجانی، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات در ایران*. چاپ پنجم، جلد دوم، تهران: توس.
- غزالی، محمد (۱۳۷۵). *احیاء علوم‌الدین*. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به تصحیح حسین خدیوچم، جلد اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸). سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها. *گلستان هنر*، سال پنجم (۱۵)، ۲۰-۵.
- کاخانی، احسان (۱۳۹۹). *عمارت از برای ویرانی*: دو روایت متفاوت درباره جایگاه معمار و معماری در کتاب *احیاء علوم‌الدین* غزالی. *مرمت و معماری ایران*، ۲ (۲۳)، ۴۸-۳۵.
- وسل، ژبو (۱۳۶۸). *دائرة‌المعارف‌های فارسی*. ترجمه محمدعلی امیرمعزی، چاپ اول، تهران: توس.



Received: 2020/08/25

Accepted: 2021/02/09

A study of the principles and categories related to the world of architecture in the book of Nuzhat Nama-yi Ala'i

Shida Genghizi* Mahmoud Razjovian**

Abstract

5

Ancient Persian sources are among the most important sources for understanding the past architecture of Iran. From among these texts is the book of Nuzhat Nama-yi Ala'i by Shah Mardan Ibn Abi al-Khayr, which was written in the last years of the fifth century AH. This book is an encyclopedia of common sciences of that time and includes various subjects such as animals, plants, jewelry, arithmetic, astronomy, handicrafts, etc. The subject of this article is the extraction, categorization and study of principles and categories in the book of Nuzhat Nama, which is used for theoretical discussions of architecture. The research has been conducted adopting the interpretive method and in the way of reading, understanding and interpreting the book of Nuzhat Nama through the text itself, so the focus of this research is the book of Nuzhat Nama and only secondary sources have been referred to for more knowledge and better reasoning. The findings of this research have been organized in three chapters. The first chapter is dedicated to the context and time of the book and in it a brief outline of the position of Nuzhat Nama and its author is outlined. In the second chapter, the dominant principles of the book about the world and man are discussed and categorized. These principles lay the foundations for the third chapter, which are the principles extracted from the book on architecture, including: the dignity of architecture, the discovery of wisdom and meaning, the observance of time, the knowledge of nature and moderation, the harmony of form and good meaning. According to the world of architecture, architecture is one of the noble crafts. The architect needs to be aware of the times of misfortune and different natures in his work, to master the techniques of his work in order to be able to estimate a good building, to seek wisdom and meanings, and to try to implement the principle of moderation in architecture.

Keywords: Nuzhat Nama-yi Ala'i, Theoretical foundations of architecture, Shah Mardan Ibn Abi al-Khayr, Wisdom in architecture, Nature in architecture

*PhD student in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University.

sh_Changizi@yahoo.com

**Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University.